

قیمت زمین در تهران ۳ برابر آنکارا و ریاض

صفحه ۱۶



خطر خالی ماندن اورژانس

وضعیت تکمیل ظرفیت برخی رشته‌های پزشکی
نتایج نگران‌کننده‌ای دارد

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: یادآوریم و می‌فهمیم:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۸
دوپشه ۲۰ آذر ۱۴۰۲
۲۷۰ صفحه/مقاله ۱۴۳۵
۲۰۲۳
شماره ۲۰۲۰

www.fdn.ir | Mon | 11 Dec 2023 | vol.15 | No. 4030 | 16 Pages



سریال «دفتر یادداشت» با وجود ایده جذاب فیلمنامه
در استفاده از شوخی‌های خارج از عرف جامعه ایران افراط کرده است

فراموش خانه

در احکام لایحه بودجه ۱۴۰۳ یک درصد سهم زنان و خانواده دیده نمی‌شود

بودجه زنان کجا رفت؟

۲

چند نکته آموزشی برای جناب زلفی گل در مورد دانشگاه آزاد

جهت اطلاع آقای وزیر!

۳

آمریکا روزانه ۱۶۶ تن تجهیزات نظامی به اسرائیل ارسال می‌کند

شریک جرم

۸

از الویس پریسلی تا صادق بوقی

چطور از آوازخوان‌ها چریک بسازیم؟



نام الویس پریسلی در سال‌های اخیر در ایران به خاطر تلاش وافر و گاهی طنز یک بازیگر داخلی تشبیه به جنابش بیشتر سرزبان‌ها افتاد، اما خوب است بدانیم پریسلی اسم رمز فرار آمریکا از یک تهدید فرهنگی بزرگ و ریش‌موسیقی اعتراضی ضدتلاشی است. ریشه موسیقی جاز به زندگی روزمره مهاجران آفریقایی تبار در آمریکا برمی‌گردد، مهاجرانی که عموماً از بردگان بودند و هسته نخستین آنها در حاشیه رود می‌سی‌سی‌پی در مزارع مشغول کار سخت و طاقت فرسا، بردگان خسته از کار بی‌پایان و ظلم نامتناهی اربابان، گاهی زیرلب اعتراضی سر می‌دادند یا با خدا ناپیش می‌کردند یا حتی از زندگی روزمره دم می‌زدند؛ از عشق، زندگی، فرزند و... ریتیمیک شدن این نچوها یک موسیقی اجتماعی خاصی را به مرور پدید آورد، موسیقی‌ای که به مرور سیاسی‌تر شد و حالت اعتراضی بیشتری به خود گرفت، همین اعتراضی شدن و مقاومتی شدن کافی بود که هاضمه فرهنگی آمریکا نسبت به آن بی‌تفاوت نباشد، پروژه سفید شویی جاز و بعد راک اند رول با ساخت صنعت فرهنگی سوبینگ ولایت آغاز شد. ترکیب جاز و بلوز با حضور نوازندگان و خواننده‌های سفید پوست همراه بود. با تغییر فرم موسیقی مضمون شعرها هم تغییر کرد؛ روح روایی آمریکایی در آن دمیده شد و به مرور با سرعت گرفتن رشد تکنولوژی سفیدپوستان تلاش کردند صنعت فرهنگی جاز را از دست سیاهان خارج کنند. حضور نوازندگان و خواننده‌های سفید و تغییر در مضامین شعر به نغم روح آمریکایی، شروع این ماجرا بود. گام بعد ساختن ستاره‌هایی برای موسیقی سفید بود. بعد از چند تجربه ناموفق سر و کله الویس پریسلی و راک اند رول پیدا شد، ستاره‌ای پول‌ساز که آمریکایی‌ها به واسطه او و فرمی که در رقص و موزیک ایجاد کرده بود، توانستند هم‌خاطره خاستگاه ضدتلاشی این سبک موسیقی‌ها را تا حدودی از بین ببرند و هم‌ایده آمریکایی‌ها را از این طریق صادر کنند. این موسیقی دیگر صدای معترضان ضدتلاشی پستی نبود، بلکه موزیک متن زندگی مصرف‌زده طبقه جدید جوانان بود که به دنیا صادر شده بود. در هلند ایند و بندز که گروهی از مهاجران اندونزیایی بودند مهم‌ترین گروه را ساختند. در انگلستان و نیوزیلند و... هم سر و کله نسخه‌های هیپ‌کبی پریسلی ساخته شد. جدی‌ترین مقاومت را در این خصوص رقیب آمریکا در جنگ سرد انجام داد، اما آنها هم بعد چند سال مغلوب شدند. در شوروی که رقیب گفتمانی آمریکایی‌ها بود، ورود راک ممنوع بود، اما چند سال بعد فردی به نام دیوید به پریسلی شوروی مشهور شد. موسیقی - شوروی پریسلی با آن رقص‌های تند و مبتذل هرچقدر موجب نگرانی جامعه اخلاقی و فرهنگی ایالات متحده شده بود همان قدر هم موجب حسرتی سرمایه‌گذاران و کارتل‌های سرمایه‌گذار روی کالاهای مصرفی

جوانان را پدید آورده بود. پریسلی و هوادارانش یکی از موضوعات مورد علاقه برای پژوهشگران حوزه شهرت است، برخی از هواداران الویس هنوز درباره مرگ او تردید دارند و می‌خواهند با افسانه پریسلی زندگی کنند؛ افسانه‌ای که هم موسیقی اعتراضی ضدتلاشی را کنترل کرد و هم جیب کارتل‌های موسیقی را پر پول.

از می‌سی‌سی‌پی تا بازار ماهی فروشان رشت
احتمالاً از روتیترو و مقدمه بالا حدس زده‌اید که قرار است در ادامه مطلب افرادی که صفحه پیرومرد مشهور رشتی - که حسابی این روزها خبرساز شده - را فالو کرده‌اند ملاحت شوند. گمان بی‌ربطی نیست اما همه ماجرا این نیست، بله در سیستم فرهنگی آمریکا از دل یک تهدید بزرگ یک فرصت خلق می‌کنند و ما از هیچ، تهدید درست می‌کنیم. بعد از ماجرای صادق بوقی ویدئو‌هایی در حمایت از او در پوشهر و ساری هم ساخته شد، این یعنی کاری کرده‌ام که رقص و آواز خواندن ماهی فروشان هم یک کنش مقاومتی به حساب بیاید؛ انصافاً هنر این است که ما داریم.

اما سوال جدی‌ترین است که صادق بوقی در چه بستری ساخته می‌شود؟ و راه مواجهه با آن چیست؟ آیا صادق بوقی کار بدی کرده است؟ او چه می‌خواهد؟ از پشت صحنه خبری نداریم اما آنچه از صفحه اینستاگرامش دیده‌ایم چند ویدئو پر کرده که نشان دهنده شاد بودن او و اطرافیان است. از مخاطب بازخوردی گرفته و صفحه‌اش پر از پزیرا شده. پیرومرد رشتی می‌خواهد همان راهی را برود که پریسلی رفته، البته بدون آژان‌کنشی‌های دولتی. نردبان فرهنگ شهرت از می‌سی‌سی‌پی تا رشت برپاست. مکانیسم همان است. در جامعه نمایشی شده مسیر همین است. آن افرادی که پیچ صادق بوقی را بسته‌اند مکانیسم را نمی‌شناسند، آنها احتمالاً خوشحالند که به تکلیف خود عمل کرده‌اند، چون نماینده امپریالیسم جهانی در بازار رشت را به زانو درآورده‌اند. مسرورند چون معتقدند حالا که هنرها در بخشش از جامعه کار نمی‌کنند، حداقل نمایش کارکردن نهاد را برپا کنیم و بگوییم کت تن ماست، اما واقعیت آن است که فقط مشکلی به مشکلات اضافه کرده‌اند.

مثال پریسلی کمی گمراه‌کننده است. اشتباه نکنید. کسی مدعی نیست که می‌شود از صادق بوقی‌ها پریسلی ساخت. اگر بتوان ساخت هم می‌شود قوز بالا قوز. پریسلی سازی در ذات فرهنگ سرمایه‌داری است و هیچ عاقلی برای فرهنگ ایرانی چنین چیزی را تجویز نمی‌کند. پریسلی فقط یک مثال است از سازوکار نظام سرمایه‌داری در حوزه فرهنگ که تکلیفش با خودش مشخص است.

سلب‌ریسیسم بد است ولی سلب‌ریسی خوب می‌سازیم!
همزمان با ماجرای صادق بوقی مهم‌ترین مدیر رسانه‌ای کشور، یعنی رئیس

صدائوسیمیا میهمان مهم‌ترین دانشگاه کشور، یعنی دانشگاه تهران بود و در مهم‌ترین روز دانشگاه، یعنی ۱۶ آذر سخنرانی داشت. جناب رئیس در این جلسه دو گزاره درباره سلب‌ریسی مطرح می‌کند: اول می‌گوید اگر می‌خواهیم از مشکل سلب‌ریسیسیسم راحت شویم باید هزینه بدیم، کمی جلوتر حرف را عوض می‌کند و می‌گوید می‌خواهیم سلب‌ریسی سالم تولید کنیم. به ماجرای صادق بوقی برگردیم، تکلیف او با سلب‌ریسی مشخص است؛ او می‌خواهد مشهور شود. تکلیف آنها که پیچ جناب بوقی را بسته‌اند هم با سلب‌ریسی روشن است؛ آنها می‌خواهند سلب‌ریسی وجود خارجی نداشته باشد. اما تکلیف رئیس صدائوسیمیا مشخص نیست. گزاره سلب‌ریسیسم بد است اما سلب‌ریسی خوب می‌سازیم، آغاز فرآیند تولید چریک‌ها و آوازخوان‌ها و فوتبالیست‌ها و... است. همه اینها که امروز به زعم روسا سلب‌ریسی ناسالم هستند، روزی که شروع کردند در صحت و سلامت و کاملاً در مدار بودند. این تناقض نظری البته در عمل هم لطیفه بامزه‌ای می‌سازد. در همین چندماه اخیر که جناب جبلی کم‌وبیش از سلب‌ریسیسم گفته است یک بار با توپ و تشریک نفوس سلب‌ریسی که احتمالاً سالم بوده و در دوران جدید ساخته شده جلوی ورود یک سلب‌ریسی دیگر را گرفته و حالا بعد از مدتی و در مواجهه با مساله مخاطب در حال بازگرداندن همان سلب‌ریسی است.

راه‌حل ساده نیست
در ماجرای رفتار متناقض با فرهنگ شهرت جناب جبلی و سیستم فرهنگی ما، نخستین تولیدکننده تناقض نیست. عده‌ای در نقد منتقدان شهرت می‌گویند خود این شأن نقادی برای رسیدن به شهرت است یا اساساً ایده نقد شهرت و تقسیم فرهنگ به والا و توده یا فرهنگ کالایی و غیرکالایی یا هنر بورژوازی و غیربورژوازی توسط چه‌هایی باب شده است که خود تبدیل به سلب‌ریسی حوزه اندیشه شده‌اند. ذات این رفت و برگشت کمی متناقض است و نمی‌توان خیلی نتیجه‌دقیقی گرفت. موضوع واقعاً پیچیده است؛ از یک طرف سرمایه‌داری بالایی بر سر فرهنگ آورده است که سلب‌ریسیسم جزء اقتضات آن است و از سوی دیگر عوارض سلب‌ریسی‌زدگی بی‌شمار است. جمع بین این دو ساده نیست. عده‌ای پذیرش فرهنگ سلب‌ریسیسم و مدیریت سلب‌ریسی‌ها را به عنوان راهی میانه پیشنهاد می‌دهد که قابل بحث و نقد است. اما احتمالاً درباره اینکه در مواجهه با سلب‌ریسی‌ها یا طالبان شهرت چه کارهایی نباید کرد اجماع بیشتری وجود دارد. اینکه قبض و بستن موجب بسط و نشر شهرت می‌شود خیلی پیچیدگی ندارد. اگر اینها را بدانیم از آوازخوان‌ها و مردم معمولی چریک درست نمی‌کنیم یا اگر تکلیف ما با سلب‌ریسی روشن نیست و با چند موضع‌گیری تغییر می‌کند در جلوت نطق انقلابی نمی‌کنیم و در خلوت آن کار دیگر.

منتشر شد

یک قرن سکوت

چرا ایده غرب‌زدگی که جلال مطرح کرد هنوز مساله ایران ۱۴۰۲ است

یک قرن سکوت

«فرهیختگان» در صدمین سالگرد تولد جلال آل‌احمد تأثیرات ایده غرب‌زدگی بر فکر و ادبیات ایرانیان را بررسی می‌کند

اگر علاقه‌مند به تهیه ویژه‌نامه‌های روزنامه فرهیختگان هستید به شماره زیر پیامک بزنید

۰۹۱۰۵۸۱۰۶۵۳۳

@FarhikhteganOnline
www.farhikhtegandaily.com

نوبت اول

خلاصه آگهی عرضه عمومی سهام

شماره شناسه ۱۶۲۵۵۳۵ - شماره م. الف ۳۵۶۱
ارجاع به صفحه ۱۵

مصمومک

روایت سال‌های جنگ

فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد!
رادیو مضمون، کاری از گروه یادگست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

@radiomazmoon